

واکاوی بسترهای فرهنگی و اجتماعی در گذار از نقد ادبی سنتی به نوین

در ادبیات کردی در اواسط و اواخر سده بیست

شلیر رحمانی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۷ بهمن ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱؛ صص. ۸۱-۹۹

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2022.005>

چکیده

کورتیه

رهنمای به معنی امروزی آن دانش و شاخه‌ای نوینی در ادبیات است که از بارقه‌های آن تا رسیدن به مرحله‌ی شکوفایی و نقد بر پایه‌ی مبانی نظری، مسیری طولانی را طی کرده، و عوامل مختلفی در رسیدن به مرحله کنونی آن دخیل بوده‌اند. نقد ادبی از آبخورهای آن که بیشتر نقد ضمن شعر و ناظر بر تحسین و تفاخر بوده تا دوره‌ی رونق، عوامل جانبی زیادی در رونق آن ایفای نقش کرده‌اند که نادیده گرفتن آنها سبب می‌شود سیمای کلی جریان نقد درست ترسیم نشود. این عوامل عبارتند از: نقش مجلات و روزنامه‌ها، انتشارات و چاپخانه‌ها، نو شدن جریان شعر، توسعه گفت‌وگو آکادمیک و گسترش انجمن‌های علمی، شاعران منتقد و نهضت‌های ادبی که هر کدام در ترسیم سیمای کلی نقد نقش مهمی داشته‌اند. این پژوهش با تحقیق در انواع آثار ادبی و در نظر گرفتن نقش هر کدام از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، عوامل تأثیرگذار در پیشرفت نقد ادبی را مشخص کرده است. در نتیجه تأثیر این عوامل راه ورود مباحث و نقدهای نو و مبانی نظری به نقد ادبی در ادبیات کردی باز شد. مقاله‌ی حاضر بر آن است مهمترین عوامل فرهنگی و اجتماعی در ظهور نقد ادبی نوین به زبان کردی (میان ۲۰ در دو مقطع تاریخی اواسط و اواخر سده بیستم) را مورد بررسی قرار دهد.

رهنمای به معنی امروزی آن دانش و شاخه‌ای نوینی در ادبیات است که از بارقه‌های آن تا رسیدن به مرحله‌ی شکوفایی و نقد بر پایه‌ی مبانی نظری، مسیری طولانی را طی کرده، و عوامل مختلفی در رسیدن به مرحله کنونی آن دخیل بوده‌اند. نقد ادبی از آبخورهای آن که بیشتر نقد ضمن شعر و ناظر بر تحسین و تفاخر بوده تا دوره‌ی رونق، عوامل جانبی زیادی در رونق آن ایفای نقش کرده‌اند که نادیده گرفتن آنها سبب می‌شود سیمای کلی جریان نقد درست ترسیم نشود. این عوامل عبارتند از: نقش مجلات و روزنامه‌ها، انتشارات و چاپخانه‌ها، نو شدن جریان شعر، توسعه گفت‌وگو آکادمیک و گسترش انجمن‌های علمی، شاعران منتقد و نهضت‌های ادبی که هر کدام در ترسیم سیمای کلی نقد نقش مهمی داشته‌اند. این پژوهش با تحقیق در انواع آثار ادبی و در نظر گرفتن نقش هر کدام از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، عوامل تأثیرگذار در پیشرفت نقد ادبی را مشخص کرده است. در نتیجه تأثیر این عوامل راه ورود مباحث و نقدهای نو و مبانی نظری به نقد ادبی در ادبیات کردی باز شد. مقاله‌ی حاضر بر آن است مهمترین عوامل فرهنگی و اجتماعی در ظهور نقد ادبی نوین به زبان کردی (میان ۲۰ در دو مقطع تاریخی اواسط و اواخر سده بیستم) را مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌گان کلیدی: ادبیات کردی؛ نقد ادبی؛ نقد روزنامه‌ای؛ نقد سنتی؛ نقد نوین.

واژه‌گان کلیدی: ادبیات کردی؛ نقد ادبی؛ نقد روزنامه‌ای؛ نقد سنتی؛ نقد نوین.

۱- مقدمه

در بیشتر محافل ادبی به طور عموم این باور وجود داشت که در ادبیات کردی به ویژه در کردستان ایران، نقد ادبی و به تبع آن منتقد ادبی وجود ندارد و کسانی هم که به عنوان منتقد ادبی معرفی شده‌اند، منتقد نیستند؛ اما با تحقیق در ادبیات کردی به این نتیجه رسیدیم که - جدای از این تصور- در واقع آنچه در ادبیات کردی از نظر دور مانده است، پژوهش در انواع آثاری است که به نقد ادبی می‌پردازد. نقد ادبی شاخه‌ای از ادبیات است که هر چند

به دانشی نو شناخته شده است؛ اما از قدیم الایام به شیوه‌ای سنتی در ادبیات وجود داشته، و ادیبان با توجه به درک و دریافت خود به داوری آثار ادبی پرداخته‌اند. نقد ادبی مسیری پر فراز و فرود را پشت سر گذاشته است تا به روشی پیشرفته‌تر از نقدهای سنتی و بر اساس نظری ارائه شود. در این مسیر عوامل متعددی چون انتشار روزنامه‌ها و مجلات، نو شدن شعر، ظهور ادبیات داستانی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، هر کدام به نوعی در این مسیر تأثیرگذار بوده‌اند. با توجه به این که بیشتر آثار ادبیات کُردی در حوزه‌ی شعر بوده، نقدها نیز بیشتر در همین حوزه بود و می‌توان گفت نقد ادبی در ادبیات کُردی همچون ادبیات عرب ابتدا نزد شاعران و در حوزه شعر رشد کرده، و سپس نقد داستان مورد توجه قرار گرفته است. اولین نمونه‌های داستان و رمان کُردی در سال ۱۲۹۲ با پیشگامی فواد تمّو با داستان کوتاه بدون نامی که در سه شماره‌ی پیاپی ماهنامه‌ی رۆژی کورد چاپ شد و عرب شمو در رمان چوپان کُرد (شوانی کورد) آغاز شد (رحیمیان، ۱۳۹۲: ۲۰۲، ۲۰۷)؛ اما نقد آثار داستانی بسیار دیرتر مورد توجه قرار گرفت. بیشتر آثاری که در حوزه‌ی نقد در ادبیات کُردی منتشر شده‌اند، یا دوره‌ی محدودی را شامل می‌شوند، یا تنها به یکی از رویکردهای نقد و یک ژانر ویژه توجه دارند. مسئله حائز اهمیت این است که درست است که اکنون نقد ادبی در ادبیات کُردی وارد مسیر رشد و شکوفایی خود شده است؛ اما باید دید روند گسترش نقد ادبی تحت تأثیر چه عواملی بوده، و کدام یک از جریان‌ها و چهره‌های ادبی بیشترین تأثیر را در پیشبرد آن داشته‌اند.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون در زمینه‌ی بررسی بسترهای نقد در ادبیات کُردی آثار چندانی منتشر نشده است، تعداد آثاری هم که در دست است یا محصور به تاریخ توسعه‌ی نقد در ادبیات کُردی است و یا در بهترین حالت فقط یکی از جوانب نقد ادبی را در نظر گرفته است و هیچ کدام به بررسی کلی سیر نقد در ادبیات کُردی نپرداخته‌اند. در میان این آثار می‌توان به اولین مقاله‌ای که به نقد سنتی و مدرن در ادبیات کُردی پرداخته اشاره کرد؛ این مقاله با عنوان «قه‌لشی نیوان ره‌خنه‌ی سونه‌تی و مؤدیرن» (شکاف نقد سنتی و مدرن) (سجادی: ۱۳۸۰) که تفاوت‌های میان نقد ادبی سنتی و مدرن را در متون انتقادی به زبان کُردی از دو لحاظ فرم و محتوا بررسی کرده است. همچنین مقاله‌ای دیگر با عنوان: «قوناعه سه‌ره‌تایی و بنه‌ره‌تییه‌کانی ره‌خنه‌ی نه‌ده‌بی» (مراحل ابتدایی و بنیادهای نقد ادبی) (سجادی: ۱۳۷۹)، که به بررسی مراحل چندگانه نقد ادبی در ادبیات کُردی پرداخته است و آن مراحل را دسته‌بندی نموده است. کتاب‌هایی هم در این زمینه تألیف شده‌اند که بخشی از آنها عبارتند از: *ده‌روزه‌یه‌ک بو ره‌خنه‌ی نه‌ده‌بی کوردی* (درگاهی برای نقد ادبی کُردی) (حسین: ۲۰۰۷)؛ *ریچکه‌کانی گوتاری ره‌خنه‌ی شیعیری له نه‌ده‌بی کوردیدا، کرمانجی خواروو ۱۹۲۰-۱۹۷۰* (مسیرهای گفتمانی نقد شعر در ادبیات کُردی، کرمانجی جنوب ۱۹۲۰-۱۹۷۰) (مصطفی: ۲۰۱۹)؛ *پیوه‌ره‌کانی ره‌خنه‌ی شیعیری له نه‌ده‌بی کوردیدا، کرمانجی خواروو ۱۹۷۰-۱۹۹۰* (معیارهای نقد شعر در ادبیات کُردی، کرمانجی جنوب ۱۹۷۰-۱۹۹۰) (برزنجی: ۲۰۲۱)؛ *په‌یدا/بوونی ره‌خنه‌ی نه‌ده‌بی له شیعیری کلاسیکی کوردیدا* (پدید آمدن نقد ادبی در شعر کلاسیک کُردی) (آمیدی: ۲۰۰۳). این کتاب بیشتر به شیوه‌ی کرونولوژی‌کال نقد ادبی را بررسی کرده است و در بخش‌های کلاسیک و معاصر شاخص‌های نقد ادبی هر دوره را ذکر می‌کند و با نمونه‌های نقد سنتی هر یک از شاعران، سیمای کلی نقد ادبی را پیش رو قرار می‌دهد. کتاب‌های دیگری که با محوریت نقد ادبی نوشته شده‌اند از این قرارند: *ره‌خنه‌ی نه‌ده‌بی و*

مه‌سه‌له‌کانی نوپکردنه‌وهی شیعر (نقد ادبی و مسائل تازه‌گری در شعر) (سابیر: ۲۰۰۶)؛ ره‌نگد/نه‌وهی نه‌دهب و سه‌ره‌تا‌کانی ره‌خنه‌ی نه‌دهبی کوردی له‌ ره‌ژنامه‌نووسی کوردی‌دا (نمود ادبیات و سرآغازهای نقد ادبی در روزنامه‌های کُردی) (برزنجی: ۲۰۱۶)؛ ده‌قه‌کانی نه‌دهبی کوردی (متون ادبیات کُردی) (سه‌جادی: ۱۹۷۸). این کتاب انواع ادبی را دسته‌بندی کرده، و سپس اشعار ملای جزیری و شیخ نوری شیخ صالح که از پیشگامان نقد ادبی در ادبیات کُردی هستند را بررسی می‌کند. کتاب چهند باسیک ده‌بارهی نه‌دهب و ره‌خنه‌ی نه‌دهب (مباحثی در باره‌ی ادبیات و نقد ادبی) (رسول: ۱۹۸۱) بیشتر به تحلیل جریان‌های تأثیرگذار در نقد ادبی در ادبیات کُردی پرداخته است و این که هر کدام از این جریان‌ها به چه شیوه‌ای در پیشبرد مسیر نقد نقش داشتند. کتاب نه‌دهبی کوردی و ره‌خنه‌ی نه‌دهبی نوچی (ادبیات کُردی و نقد ادبی نو) (مه‌عروف: ۲۰۰۰) به آرای منتقدان ادبی جدید پرداخته است و مباحثی چون زبان‌شناسی و سیاست و نوگرایی در شعر را مورد توجه قرار داده است. کتاب شیعر و نه‌دهبیاتی کوردی (شعر و ادبیات کُردی) (حیلمی: ۱۹۴۱ و ۱۹۵۶) و نه‌دهب و ره‌خنه (ادبیات و نقد) (کُردی: ۱۹۷۴) هم به سیر شعر و به تبع آن نقد در ادبیات کُردی پرداخته است. در کردستان ایران تعدادی رساله‌ی دانشگاهی با موضوع نقد به صورت تطبیقی یا مستقل نوشته شده است با عناوینی چون: «بررسی تطبیقی ساقی‌نامه‌ی سید محمد امین شیخ الاسلام (هیمن) و محمد تقی بهار» (جعفری ۱۳۹۵)؛ «بررسی تطبیقی صور خیال در دیوان عبدالله گوران و اشعار نیمایوشیخ» (یوسفی: ۱۳۹۵)؛ «بررسی تصویر و موسیقی در اشعار سعید عبادتیان» (دارابی: ۱۳۹۴)؛ «نقد زیبایی شناختی گردآوری و بازنویسی هزار ضرب‌المثل کُردی کلهری» و «فرانقد کاربست نقد و نظریه‌های ادبی در مقالات فارسی و کُردی» (مطالعه‌موردی مقالات نقد ادبی و مجله‌دانشگاه سلیمانی). این آثار خود به عنوان بخشی از فرایند نقد ادبی در ادبیات کُردی محسوب می‌شوند؛ نه تحقیق در مسیر کلی پیشرفت نقد ادبی. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین مربوط به در نظر گرفتن سیمای کلی نقد و بررسی عوامل مؤثر در تغییر نقد سنتی به نقد نوین در ادبیات کُردی است.

۳- آبشخورهای نقد در ادبیات کُردی

معادل کلمه نقد در ادبیات کُردی کلمه «رَخنه» است. اولین کسی که این واژه را معادل نقد ادبی قرار داد ملا احمد جزیری^۱ (۱۵۷-۱۶۴۰، جزیره ابن عمر ترکیه) بود. جزیری از جمله شاعرانی است که در سده‌های ده شمسی نقدهایی ادبی و ضمن شعر بیان کرد.

تَیْتَن ژ نووری وه‌ک ره‌قیع بی‌عیب و نه‌قس و ره‌خنه‌دا^۲

(آمیدی، ۲۰۰۳: ۴۴-۴۵)

«در نگاه به بود و نبود نقد در ادبیات کُردی و در بررسی کتب پیشینیان و در مقام مقایسه میان نقد و نظریه در میان ایرانی‌ها و متفکران غربی، امری که شایان توجه است، تفاوت نگاه ما با متفکران غربی است، پرسش این است که آیا به راستی در انبوه کتب کلامی، حکمی، تفسیری، اصولی، منطقی، عرفانی در عالم ایرانی - اسلامی زمینه‌ها، مایه‌ها و گزاره‌های مصرح و نامصرح وجود ندارد؟ در اینجا بحث از «گزاره‌های ضمنی و مستتر» پیش می‌آید که در حکم نظریه‌های نامصرح و منطوقی در آثار و متون اند. غربی‌ها بر خلاف ما در کشف و قرائت و فهم این نوع گزاره‌ها تبحر دارند.

^۱-jziri

^۲. مانند نوری بی‌عیب و نقص و رخنه از آسمان پدیدار شده است.

این گزاره‌ها صریح نیستند؛ بلکه ضمنی و مستتر هستند که در غالب آثار ادبی دیده می‌شوند» (نیکویی، ۱۳۹۸: ۲۶۲). می‌توان گفت در مسیر ادب پژوهی برای یافتن اندیشه‌های انتقادی در نقد ادبی باید به سراغ متون و گزاره‌های ضمنی و مستتر مراجعه کرد و آنها را از میان سطرها و آثار ادبی استخراج کرد. خود این پرسش که «آیا در فرهنگ و ادبیات گردی، نقد ادبی وجود دارد یا نه؟» بحثی است از سنخ نقد ادبی و در حوزه‌ی فرآیند (متاکریتیسیزم) جای می‌گیرد و جواب این پرسش مفهومی منتقدانه دارد، چون برای پاسخ به آن نیازمند معیارهای ادبی و انتقادی به منظور طبقه‌بندی و سنجش آثار هستیم؛ اما مشخص کردن کیفیت و کمیت آن نیازمند تجربه و تحقیق است و انکار نقد ادبی در واقع به معنای چشم‌پوشی از تحقیق درباره نقد ادبی محسوب می‌شود (فلاح، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۶). «اشتباه بسیاری از کسانی که در ایران به پرسش‌هایی چون امکان و امتناع یا بود و نبود نظریه و نقد ادبی در گذشته و تاریخ خود مشغول شده‌اند این است که آنها را در شبکه‌ی گسترده و جریان‌های تاریخی‌شان در نظر نمی‌گیرند. به تعبیر ایگلتون، فهم یک چیز به معنای درک جایگاه متناسب آن درون کل است. نقد ادبی، یک امر تک افتاده و جزیره‌وار نیست و باید در مضراب و مبنای فرهنگ و علوم انسانی رصد کرد» (نیکویی، ۱۳۹۸: ۲۵۱-۲۵۲). هر چند نقد ادبی بر پایه‌ی مبانی نظری دز کل چندان سابقه‌ی دور و درازی ندارد و به تبع آن آنچه در ادبیات گردی پیشینه‌ی کهنی ندارد، وجود منتقدان برجسته است، گرچه در سال‌های اخیر شاهد تغییرات چشمگیری در نقد ادبی بوده‌ایم و دوره‌ی گذار از نقد شعر به نقد رمان و حتی نقد نقد و نقد مقاله را پیش رو داریم.

اولین آبخوره‌های نقد در ادبیات گردی مجالس ادبی میران کرد و حجره‌های فقیهان و خانقاه‌ها است. در این مجالس شاعران شعرهایشان را برای هم می‌خواندند و اشعار ارزش‌گذاری می‌شدند. اولین نقدها در ادبیات بیشتر نقدهایی استحسانی و اصلاحی بودند که در ضمن قرائت و استماع شعر بیان می‌شد. اینگونه نقدها بیشتر ناظر بر تحسین و تفاخر و مقایسه و نقد ذوقی و تأثیری است؛ اما با وجود این، تا نیمه‌ی اول قرن ۲۰ هیچ نقد ادبی علمی بر مبانی نظری در دست نیست و نقد در ادبیات گردی به شکل علمی آن بعد از نیمه‌ی اول قرن ۲۰ پدیدار شد (رسول، ۲۰۰۳: ۳۳-۳۴). آنچه شاعران کلاسیک در قالب تفاخر و مدح و ستایش در ضمن شعر بیان می‌کردند، بیشتر پایه و اساس نقد است و به نوعی شاید بتوان آن را اولین قدم‌های نقد به شمار آورد؛ اما اگر منظور از نقد، نقد عملی بر اساس رویکرد و نظریه‌های آن باشد، اینگونه از اشعار درچارچوب نقد جای نمی‌گیرند و تنها به لحاظ سرچشمه‌ها و طبقه‌بندی مقاطع نقد ادبی قابل توجه است.

۴- مقاطع تاریخی

۴-۱- نقد روشنگری (قرن ۱۳ ه.ش)

حاجی قادر کوبی (۱۸۱۶-۱۸۹۷ م. / ۱۲۷۶-۱۲۹۵ ش) از جمله شاعرانی است که اشعاری با مضامین انتقادی، اجتماعی، میهنی و آزادی‌خواهانه سرود، این اشعار که درون مایه‌ی انتقادی آنها در جهت آگاه‌سازی مخاطب و توجه به زبان و ادبیات و فرهنگ بود، بیشتر از آن که از جنبه‌های زیبایی‌شناسی حائز اهمیت باشند، از جهت نقد ادبی درخور توجه هستند. اشعار انتقادی حاجی قادر مسیری تازه را در ادبیات گردی باز کرد؛ به دلیل این اندیشه‌ها منتقد ادبی احسان فواد، حاجی قادر را به عنوان بنیان‌گذار مکتبی ادبی **تنویر** (روشنگری) بر شمرد. از ویژگی‌های این مکتب فکری نزدیکی شعر به ملت و سخن گفتن از آمال و آرزوها است (فواد، ۱۹۶۶: ۲۹). در تشریح اشعار حاجی قادر کوبی، دکتر بختیار سجادی در مقاله‌ای تحت عنوان حاجی قادر کوبی و منتقدان سنتی بیان می‌دارد:

آنچه منتقدان سنتی درباره‌ی قصیده‌ی مشهور حاج قادر کویی ایراد کرده‌اند و آن را به عنوان نمونه‌ی از نقد ادبی در ادبیات کردی در میانه‌ی سده‌ی نوزدهم معرفی کرده‌اند، صرفاً اشاره‌ای شاعرانه از سوی حاجی قادر کویی به ۳۲ شاعر گرد هم عصر- و قبل از خود می‌باشد و سعی نموده هر کدام را در مصرعی توصیف یا تعریف و تحسین نماید و محتوای درخور توجه در زمینه‌ی نقد ادبی ندارد. در واقع آنچه حاجی قادر کویی را از دیگر شاعران جدا می‌کند این نکته است که او نه تنها به شاعران کلاسیک توجه کرده، بلکه توجه ویژه‌ای به شعر فولکلور و شعر ملی نیز داشته است. تا آن زمان که ادبیات از توجه به مردم روی گردان بود و آثار فولکلور چندان بهایی نداشت، حاجی قادر کویی به مردم روی آورده است و این موضوعی بوده که در ادبیات ملت‌های دیگر نیز تازگی داشت (سه‌جادی، ۱۳۸۹).

۴-۲- نقد روزنامه‌ای (قرن ۱۴ ه.ش)

در نقد روزنامه‌ای و تأثیر روزنامه‌ها در نقد ادبی اولین اسمی که به ذهن خطور می‌کند، حاجی توفیق محمود همزه (۱۸۶۷-۱۹۵۰) ملقب به پیره‌میرد (پیرمرد) است. پیرمرد از جمله ادیبانی بود که نقش بسزایی در پیشبرد نقد ادبی داشت. از مهمترین اقدامات او چاپ دو روزنامه *ژین و ژیان* در سلیمانیه بود که ۱۰۱۵ شماره از این دو روزنامه (۱۹۲۶-۱۹۵۰) زیر نظر خود او چاپ می‌شد. (آشنا، ۲۰۰۱: ۷) *ژین و ژیان* در زمان خود از روزنامه‌هایی بودند که بسیاری از نویسندگان نقدهایشان را بر آثار ادبی در آن منتشر می‌کردند. در این دو روزنامه نقدهایی درباره‌ی شعر و داستان و حکایت‌های فولکلوریک منتشر می‌شد. پیرمرد خود نیز نقدهایی را در این روزنامه‌ها منتشر کرده است.

پیرمرد (پیره‌میرد) در انتشار روزنامه‌های مختلفی دست داشت، چه به صورت صاحب امتیاز، چه به صورت سردبیری از قبیل: *رسملی کتاب و روزنامه‌ی کورد ته‌عاون و ته‌ره‌قی*. یکی دیگر از اقدامات پیره‌میرد (پیرمرد) فعالیت‌هایی بود که در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی انجام داد، او در سال ۱۹۳۶ در شماره‌ی ۴۶۳ *روزنامه‌ی ژیان* مقاله‌ای با عنوان «ادبیات تطبیقی» منتشر کرد و در آن شعری را که برای مرگ عزیزان به چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و کردی سروده شده بود، به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است (آشنا، ۲۰۰۱: ۶۹). می‌توان گفت یکی از اولین نقدهای تطبیقی در ادبیات کردی همین مقاله است. پیره‌میرد در شعرهایش نقدهایی را بر شعر سنتی و کلاسیک و وزن و قافیه‌های دست و پاگیر مطرح کرده، و به همین خاطر مورد انتقاد بسیاری از شاعران کلاسیک قرار گرفته است؛ برای مثال در شعر زیر اینگونه اعتراض خود را به وزن و قافیه بیان می‌کند:

من وهزن و قافیهم نه‌ده‌ویست سه‌هلی ممتنع

روانینم به قهیدی قافیه ره‌خنه‌دار نه‌بی

(پیرمرد، ۲۰۰۷: ۷۲-۷۳).

شیخ نوری شیخ صالح (۱۸۹۶-۱۹۵۸) خود شاعر بود و هرچند تا پایان عمر از شعر مقفی دست نکشید؛ اما روند نو شدن در محتوای اشعارش مشهود است. شیخ نوری غیر از نوگرایی در شعر در زمینه‌ی نقد ادبی نیز پیشگام بود. بعد از جنگ جهانی دوم نقد با آثار شیخ نوری شیخ صالح، همچون یک دانش علمی جدید ظهور کرد. او مقالات سریالی متعددی را از سال ۱۳۰۵-۱۳۰۶ در شماره‌های: ۲۹، ۲۰، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۵۵، ۵۷ و ۵۸ *روزنامه‌ی ژیان* درباره‌ی ماهیت ادبیات و انواع ادبی و جوانب متون ادبی منتشر کرد (سابیر، ۲۰۰۶: ۲۱-۲۲). سری اول مقالات او با عنوان «ادبیات کردی» در تاریخ ۱۹۲۶/۶/۱۰ و در شماره‌ی ۲۰ *روزنامه‌ی ژیان* و آخرین مقاله‌ی آن در شماره‌ی ۵۸ همان روزنامه در تاریخ ۱۹۲۷/۲/۲۴ منتشر شد. نقد ادبی تا قبل از مقالات شیخ نوری بیشتر شفاهی یا

ضمن شعر بود که در اشعار شاعران دیده می‌شد. شیخ نوری در مقاله‌ای تحت عنوان «صناعات نفیسه» تعریفی از صنعت در ادبیات ارائه می‌دهد. نزد او ادبیات از راه صنعت کلامی یعنی سخن گفتن و روایت، نوعی از سودبخشی و ترواش عاطفی و خلاقانه ایجاد می‌کند. از نظر او سخن گفتن دو گونه است: شفاهی و مکتوب و آنها را از هم جدا می‌کند. شعر نزد او نوعی غلیان روحی است که از اندیشه سرچشمه می‌گیرد. از نظر شیخ نوری زیبایی اساس ادبیات است و در میان زیبایی و منطق ارتباطی را تشریح می‌کند و بیاناتی در این زمینه اظهار می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که اساس ادبیات زیبایی و اساس منطق حقیقت است. نکته‌ی دیگری که در مقالات شیخ نوری قابل تأمل است، نگاه او به تاریخ و ادبیات است. از نظر او تاریخ با ادبیات ارتباط نزدیکی دارد، چون هر دو با رویداد سروکار دارند و چیزی را روایت می‌کنند. به عقیده‌ی او آنچه در شعر ایجاد موسیقی می‌کند، وزن و قافیه است و برای آنکه متنی لذت ادبی خود را برای مخاطب داشته باشد، باید با سبک و سیاقی زیبا و هنرمندانه و از زبانی منتقل شود که از هنر و ادبیات بهره‌ای داشته باشد (جاف، ۲۰۱۴). به طور کلی توجه به وزن و قافیه در شعر، عاطفه، احساس و موسیقی در شعر، صنایع لفظی و بدیعی، زیبایی‌شناسی و فرم و محتوا از مباحث عمده‌ی مقالات شیخ نوری است.

شیخ نوری در روزنامه‌ی *ژیان* مقاله‌ای درباره‌ی سبک شاعری دو شاعر *گرد ملا خدر شاه‌ویسی* میکائیلی (نالی) و شیخ رضا طالبانی نوشته و شعرهای این دو شاعر را با هم مقایسه کرده است. شیخ نوری در مقاله‌ای دیگر با عنوان «شخصیت در سبک» می‌نویسد: «سبک صرف نظر از آن که عبارت است از رخسار و فرمی که به محتوا داده می‌شود و در هیچ زبانی ماهیت مجرد ندارد، تحت تأثیر ارتباط میان زبان و ادبیات است؛ به عبارتی ادبیات چون ماهیت شخصیتی دارد، سبک نیز به تبع آن شخصی است، و هر کس ذوق و سلیقه‌ی ادبی و شیوه‌ی مخصوص به خود را دارد (عبدالواحد به نقل از *ژیان*، ۱۹۲۶: ش ۴۰). اهمیت این مقالات در این است که برای اولین بار به زبان *گردی* مقالات مفصلی درباره‌ی جوانب پر اهمیت شعر همچون: وزن، قافیه، قالب، محتوا و سبک نوشته شده است و این مباحث در آن دوره تازگی داشت.

۵- عوامل و تحولات در مسیر نقد ادبی

۵-۱-۱- شعر نوگرا در کردستان عراق

عبدالله گوران (۱۹۰۴-۱۹۶۲) از شاعران و چهره‌های شاخص این دوره است. *گوران* پیشگام شعر نو در کردستان عراق است و در مقالاتش از انواع شعر سخن می‌گوید و شعر را به دو دسته‌ی کلاسیک و نو طبقه‌بندی می‌کند. *گوران* در مقاله‌ای با نام «کونی و تازه‌یی له هه‌لبه‌ستدا» (کهنگی و تازگی در سروده‌ها) که در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد، هشت تفاوت را برای شعر نو و شعر کلاسیک قائل شده است. از فعالیت‌های دیگر *گوران* در زمینه‌ی نقد ادبی ارائه‌ی تعریفی از زیبایی‌شناسی است که در دو مقاله درباره‌ی آثار «پیرمرد» و «ملا *حمدون*» منتشر کرد. یکی دیگر از مقالات *گوران* بحث‌هایی است که درباره‌ی فرم و محتوای شعر بیان کرده است (سجادی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۶۷-۳۶۸). هرچند که نثرهای *گوران* به اندازه‌ی شعرهایش رواج نداشت؛ اما نثر او از لحاظ زیبایی‌شناسی و خیال مورد توجه است و از لحاظ تکنیک و سبک نگارش و فرم همانند شعرهایش از آثار نویسندگان دیگر متمایز است و فرم و محتوایی ویژه‌ای دارد. از حرکت‌های نوگرایانه ادبیات دیگر ملت‌ها همچون شعر نو در ادبیات انگلیسی و شعر نو ترکی آگاهی داشت، حتی متونی رمانتیک چون: رابرت هرک، شیللی، کیتس و بایرون را به *گردی* ترجمه کرده است (آشنا، ۲۰۰۲: ۹).

۵-۱-۲- مکتب ههولیر/ اربیل

عبدالله پیشیو در سال ۱۹۶۷ با انتشار مجموعه شعرهایی چون فرمیسک و زام (اشک و زخم)، بتی شکاو (بت شکسته) / ۱۹۶۸ و شه‌ونامه‌ی شاعیری تینوو (شب‌نامه‌ی شاعر تشنه) / ۱۹۷۳ همراه با چندی دیگر از شاعران توانستند بنیاد محکمی را در جهت نو شدن شعر پایه‌ریزی کنند. عنوان این حرکت شعری نو را برخی از منتقدان مکتب اربیل نام نهاده‌اند. از خصوصیات سبکی این مکتب می‌توان به این مطالب اشاره کرد: توجه به مسائل اجتماعی و انتقاد جدی و آشکارا، به کار بردن جملات کوتاه با کلمات عامیانه، توجه به ادبیات پایداری، اهمیت دادن بیشتر به محتوای شعر در مقایسه با فرم و رخسار، پرهیز از تکنیک‌های نوتر شعر به دلیل برجسته کردن پیام و محتوای اجتماعی و سیاسی شعر و به کاربردن زبان انتقادی در شعر (سجادی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). مکتب اربیل اولین حرکت جدی در مسیر نو شدن شعر بود، که عبدالله عمر ملقب به عبدالله پیشیو به عنوان نماینده‌ی این مکتب شناخته شده است.

۵-۱-۳- گروه کفری^۳ (کرکوک)

یکی دیگر از نهضت‌های شعر نو کُردی گروه کفری بود که همزمان با نهضت روانگه نقش مهمی در نو شدن شعر کُردی ایفا کرد. این گروه در کرکوک شکل گرفت و اعضاء آن عبارتند از: لطیف هلمت، لطیف حامد، فرهاد شاکلی، احمد شاکلی و چند ادیب دیگر، که بر اساس گفته‌های خود تحت تأثیر شعر نو عربی بودند. آنها آثار خود را به رادیوی کُردی بغداد می‌فرستادند و در دو برنامه‌ی جلال میرزا کریم و عبدالله عباس پخش می‌شد. گروه کفری بیاننامه‌ی خود را تحت عنوان شیته‌کان در ۱۴ تموز ۱۹۷۱ منتشر کردند. امضاء کنندگان این بیاننامه تنها لطیف هلمت و فرهاد شاکلی بودند. (برزنجی، ۲۰۰۸: ۶۱-۶۳). در این رویداد تأثیر دو برنامه‌ی (هه‌لبه‌ست و موسیقا^۴ / شعر و موسیقی) و (ئیواره‌تان باش / عصر- بخیر) در رادیو بغداد حائز اهمیت است؛ زیرا بسیاری از نویسندگان و روشنفکران شعرهای خود را به این دو برنامه می‌فرستادند. گروه کفری تحت تأثیر شعرهای شاعران عربی چون: بدر شاکر سیاب، نازک ال‌کملاک، بلند حیدری و حسین مردان و همچنین شاعران فلسطینی بودند. لطیف هلمت در این باره می‌گوید: بیاننامه شعری فاضل عزوای و همراهانش تغییرات بسیاری در شعر کُردی پدید آورد و بسیاری را در سرودن شعر مصمم‌تر از پیش کرد (برزنجی، ۲۰۰۸: ۶۲).

۵-۱-۴- نهضت روانگه

همزمان با اجرای توافقنامه‌ی تاریخی ۱۱ آدار ۱۹۷۰ مناسبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به برپایی نظم و برخورداری وسیع از امکانات رسانه‌ای و اداری انجامید (معرفت، ۱۳۹۵: ۲۹). گروهی از شاعران و نویسندگان که به منظور ساختن مجموعه‌ای ادبی قصد داشتند اصول ادبی و شعری را از نظر فرم و محتوا از نو بنیاد نهند، گرد هم آمدند و گروه ادبی روانگه (دیدگاه) را تشکیل دادند. روانگه یک جنبش نوگرای ادبی بود که در سال ۱۹۷۰ در سلیمانیه شکل گرفت. مانیفست روانگه در ۱۴ / ۲۵ ۱۹۷۰ از طرف شیرکو بیکس، حسین عارف، کاکه مَم بوتانی، جمال شاربازی و جلال میرزا کریم امضا شد (عبدالواحد، ۲۰۱۰: ۴۸).

3- kfri

4- Halbast o mosiqa

5- Ewaratan bash

اصول اساسی نهضت روانگه

- _ شاعران درباره‌ی فرهنگ، عقل و حقیقت، آگاهی‌های تازه‌ای برای رهروان ملیت‌خواهی کردی مطرح کردند.
 - _ جانبخشی به فرهنگ ملی.
 - _ بهره‌گرفتن از تجارب شعری اقوام دیگر.
 - _ اهمیت دادن به زندگی، ملت و انسانیت تا جایی که به عنوان موضوع اصلی شعر مطرح شود.
 - _ تکیه بر هماهنگی میان تجربیات نو شعری و شکل کلی احساس در آفرینش شعر.
 - _ تغییر در مفردات و اصطلاحات مرزدار و محدود شعر.
 - _ به کاربردن تصاویر زنده و ذهنی شعری که از شیوه‌ی کلاسیسم که جناس و تشبیه و... بوده، فراتر رفته.
 - _ عملی کردن تجربیات زندگی روزمره در قالب رویدادهای واقعی (عبدالواحد کریم، ۲۰۱۰: ۲۶).
- جنبش روانگه نقدهایی را در پی داشت؛ اما بیشتر شاعران و نویسندگان از دیدگاه سیاسی مانیفست، روانگه را نقد کردند؛ البته این نگاه سیاسی به روانگه به دلیل نگرش‌های مارکسیستی حاکم بر جامعه آن دوره بدیهی بود، چون بیشتر نویسندگان و شاعران به کارکرد و نقشی که ادبیات ایفا می‌کند، توجه داشتند.

۲-۵- شعر نوگرا در کردستان ایران

۱-۲-۵- پیشگامان شعر نو در کردستان ایران

نو شدن شعر کردی در کردستان ایران با تأخیری ۵۰ ساله نسبت به شعر اروپایی و تأخیر ۳۰ ساله نسبت به نو شدن شعر فارسی و تأخیری ۲۵ ساله نسبت به فرم کردی آن در کردستان عراق صورت گرفت (معرفت، ۱۳۹۵: ۴۳). در کردستان ایران سواره ایلخانی‌زاده و علی حسینی (هاوار)، فاتح شیخ‌الاسلامی (چاوه) از اولین شاعران کُرد بودند که به سرودن شعر نو کردی پرداختند (فلاح، ۱۳۹۷: ۱۰). سواره اولین کسی نبود که شعر نو کردی سرود؛ اما عنوان پدر شعر نو کردی در کردستان ایران را از آن خود کرده است. سواره از آن دسته شاعران و نویسندگانی بود که تحصیل در دانشگاه تهران و شرکت در جلسات و مجالس شعرخوانی در تهران و آشنایی با شاعران شعر نو در آن دوره این فرصت را برایش فراهم کرد که با دیدی وسیع‌تر به ادبیات بنگرد. فعالیت ادبی خود را از دهه‌ی ۱۳۳۰ آغاز کرد، می‌توان گفت نقد ادبی از سال ۱۳۴۰ توسط سواره ایلخانی‌زاده -پیشگام شعر نو کردی- در کردستان ایران نمود پیدا کرد. سواره ایلخانی‌زاده در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ ه... ش. حرکت و جنبش بزرگی در ادبیات و روشنفکری کردی پدید آورد. این جنبش نتیجه تغییراتی بود که در پیکره‌ی سیاست و اجتماع رخ داد، در نتیجه‌ی نظام سرمایه‌داری اندیشه‌های چپ و مارکسیستی در ایران رواج پیدا کرد. در آن دوران روشنفکران گروهی از افراد جامعه بودند که تفکرات مدرن بر آنها تاثیر گذاشته بود و حرکت‌هایی در جهت پیشرفت اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه انجام دادند. در چنین شرایطی شعر و داستان به تنهایی نمی‌توانست تغییرات و نیازهای جامعه را پوشش دهد، نیاز به قالبی تازه‌تر در شعر از نظر انطباق با اوضاع سیاسی و اجتماعی در آن دوره بیش از پیش در میان جامعه احساس می‌شد.

اولین نقدهایی که سواره بر آثار ادبی داشت، مربوط به سلسله برنامه‌های رادیو تهران با عنوان «تاپو و بوومه لیل^۶» می‌باشد. با دقت در بحث‌ها و نقدهایی سواره در این برنامه مشخص می‌شود او به جریان‌های نو ادبی آگاه بود و از زوایای مختلف سیاسی، اجتماعی و فلسفی به ادبیات می‌نگریست. آشنایی با تفکرات ترقی‌خواهانه و مارکسیستی که در آن زمان رایج بود، سبب شد سواره از نظر فکری و اندیشگانی به سمت نقد ادبی کشیده شود. سواره در تاپو و بوومه لیل به موضوع‌های مختلفی همچون: حقیقت شاعرانه و حقیقت علمی، ارتباط شعر، فلاسفه و تاریخ، مشکلات میان شاعران و دانشمندان، وظیفه‌ی شاعران و نویسندگان در اجتماع، طنز در ادبیات کردی، وزن و عروض، مشکلات میان شعر نو و کلاسیک، نقد ادبی، نثر کردی، سبک در ادبیات فارسی و... می‌پرداخت. سواره درباره‌ی نمایشنامه مطالب قابل توجهی چون: نمایشنامه‌ی «کی و چگونه متولد شد» و نمایشنامه‌ی «سه‌یده‌وان» (سیدوان) را بازنویسی کرده است.

۵-۲-۲- داکار

در سال ۱۳۷۷ دسته‌ای از شاعران نوگرای کردستان ایران، مانیفستی را به نام «پروژه‌ی ادبی- هنری پیش رو» را با عنوان «داکار» در میروان امضاء و منتشر کردند. امضاءکنندگان این بیانیه نگاهی فلسفی و هنری به شعر داشتند و بر آن بودند با حرکت به سوی ادبیاتی مستقل و نگاهی انتقادی، روابط اشیاء را برهم بزنند. توجه به فرم در شعر از ویژگی‌های بارز این گروه ادبی بود. فریدون ارشدی، صالح سوزنی، ابراهیم احمدی‌نیا و بهزاد کردستانی از امضاءکنندگان این بیانیه بودند.

نکاتی که گروه داکار در بیانیه خود مورد توجه قرار داده بودند، عبارتند از:

- پرسش انتقادی از وضعیت حال، گذشته و آینده.
 - گذر از عینیت اشیاء برای دستیابی به جلوه‌های نامکشوف آن.
 - کشفی نو در فراسوی نشانه‌ها و رمزهای زبان و بیان.
 - خلق زبانی متفاوت از زبان فرسایش یافته ادبی موجود.
 - چالش با هستی و جهان.
 - گریه در شادی و شادی در گریه.
 - عبور از وزن هجایی و دستیابی به موسیقی درونی شعر.
 - حرکت از واژه‌ای به واژه‌ای دیگر تا رسیدن به فرمی کامل.
 - گشودن پنجره‌هایی جدید به سوی اندیشه انسان.
 - داکار جریانی است برای همه‌ی دوران‌ها (معرفت، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۱).
- گروه داکار زمینه را برای نقد ادبی در ادبیات و شعر کردی کردستان ایران فراهم کردند و شاعران منتقد در این دوره به نقد آثار دیگر شاعران می‌پرداختند. منتقدان در این دوره به مباحث میان رشته‌ای چون گفتمان فرهنگی، فلسفه و زبان‌شناسی که در پیوند با ادبیات بود، روی آوردند.

⁶ - Tapo o bumalel

۵-۲-۳- گروه جیاواز

تغییر فضای سیاسی و فرهنگی و نوگرایی در شعر و تشکل‌های علمی و فرهنگی موجب فراهم آمدن گفتمان انتقادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فلسفی شد و زمینه‌ی ایجاد تحولی رادیکال را در شعر نو گردی فراهم کرد. در این دوره و در پی این تغییرات شاعرانی چون صالح سوزنی، رضا علیپور و یونس رضایی و منتقدانی نظیر بختیار سجادی و عبدالخالق یعقوبی نظرات انتقادی خود را در مجلاتی مانند ده‌ق، هیمما، زریبار، رهوت و نشریات دانشجویی چاپ کردند. چند سال بعد شعرایی از قبیل محمد موفقی، کمال امینی و شعیب میرزایی نظرات انتقادی خود در خصوص ماهیت و ویژگی‌های شعر در مقالاتی تحلیلی ارائه نمودند. شاعران این دوره در کردستان ایران به شاخص متفاوتی نسبت به شاعران کردستان عراق و شاعران فارس زبان دست یافتند. می‌توان گفت شعر جیاواز جریانی بود مابین دو گروه روانگه و کفری. تکثر معنایی و چند بعدی بودن از ویژگی‌های شاعران جیاواز است. هرچند متفاوت بودن شعر همیشه مورد نظر شاعران بوده است؛ اما استفاده از این واژه به عنوان یک حرکت در مسیر نو شدن شعر گردی اول بار از طرف فرزاد میراحمدی منتقد ادبی طرح شد. میراحمدی بر شعر شاعران جیاوازی چون صالح سوزنی، ابراهیم احمدی‌نیا، یونس رضایی و رضا علیپور نقدهایی نوشت. در نخستین سمیناری که برای نقد و تحلیل این پروژه‌ی ادبی در شهریور ۱۳۸۱ در مریوان برگزار شد، ویژگی‌های شعر جیاواز طبقه‌بندی شد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که این جریان بر خلاف گروه روانگه، کفری و داکار از طرف منتقدان ادبی شکل گرفت (فلاح، ۱۳۹۹: ۱۳۴-۱۳۵).

ویژگی‌های شعر جیاواز:

به چالش کشیدن ذهنیت محتوا محور و بهره‌گیری از امکانات دراماتیک و روایت‌های سینمایی و ایجاد فضاهای شهری، تأکید بر محور فردیت، آشنایی‌زدایی و غریبه‌گردانی‌های پست مدرنیستی و گریز از استبداد نحوی از ویژگی‌های شعر جیاواز است. تأثیرات گروه جیاواز ایجاد نگرشی نو در گفتمان شعری و فرهنگی شاعران و منتقدان بود. شاعران این دوره با آشنایی با نظرات فلاسفه، جامعه‌شناسان و ادیبان برجسته‌ای چون رولان بارت، ژاک دریدا، ژاک لاکان، میشل فوکو، باختین و هایدگر به تحلیل اشعار شاعران بر پایه‌ی نظرات ادبی و اجتماعی آنان پرداختند (معرفت: ۱۳۹۵: ۶۵). روند نو شدن در شعر جیاواز با تفاوت‌های زیادی از شعر در کردستان ایران و عراق شکل گرفت و منجر به بروز جریان شعری جدیدی شد.

۵-۳- تاریخ ادبیات و آرشوسازی

از دیگر فعالیت‌هایی که در ادبیات گردی شکل گرفت آرشوسازی و نوشتن تاریخ ادبیات است. هر چند میان تاریخ ادبیات و نقد ادبی تفاوت‌های هست وجود دارد؛ اما در نهایت مطالعه‌ی آثار ادبی در طی دوره‌های مختلف می‌تواند افقی از سیر ادبی و تغییر و تحول آن را پیش رو قرار دهد، تا امکان ارزیابی بهتری از آثار ادبی و ژانرهای مختلف در دوره‌های مورد نظر فراهم شود. بر همین اساس کتاب‌هایی که در زمینه تاریخ ادبیات تألیف شده‌اند را اگرچه نمی‌توان مستقیم به نقد ادبی ربط داد؛ اما غیرمستقیم در پیشرفت نقد ادبی نقش دارند؛ به خصوص در آثاری که در خود توأمان چاشنی‌هایی از نقد ادبی همچون نقدهای زیبایی‌شناسانه و لغوی دیده می‌شود. در این زمینه می‌توان به کتاب *نه‌نجومه‌نی‌ئهدیبیان کورد* (۱۹۲۰) (انجمن ادیبان کرد) تألیف امین فیضی بگ (؟۱۹۲۸) اشاره کرد. امین فیضی بگ

اولین کسی بود که با گردآوری و نوشتن مقدمه، شرحی مختصر- بر چند شعر از شاعران کُرد نوشت. این کتاب اولین کتابی است به زبان کُردی که درباره‌ی تاریخ ادبیات و زندگی شاعران کُرد تألیف شده است. دومین کتاب تاریخ ادبیات کُردی در سال ۱۹۳۹ از طرف علی کمال باپیر نوشته شده است. کتاب با عنوان *گولده‌سته‌ی شوعه‌رای هاو عه‌سرم* (گلدسته شاعران هم عصر من) با کتاب امین فیضی از این جهت متفاوت است، که در آن شاعرانی شده‌اند که در کتاب امین فیضی به آنها اشاره نشده است (سه‌جادی و ئیبراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۶۷).

کتاب دیگری که در زمینه‌ی تاریخ ادبیات کُردی می‌توان به آن اشاره کرد، کتاب دو جلدی *شعیرو ئه‌ده‌بیاتی کوردی* از رفیق حلمی است که به عنوان اولین قدم‌های جدی در راستای نقد ادبی در ادبیات کُردی به شمار می‌آید. جلد اول این کتاب در سال ۱۳۱۹ و جلد دوم آن در سال ۱۳۵۳ هـ. ش. به چاپ رسید. رفیق حلمی در جلد اول ۱۴ شاعر و در جلد دوم آن ۱۰ شاعر را مورد بررسی قرار داده است. رفیق حلمی در کتاب *شعیرو ئه‌ده‌بیاتی کوردی* شاعران نو و سنتی را مشخص کرده است و از لحاظ تکنیک‌های شعری، لغت‌شناسی، بلاغت، عاطفه و احساس اشعار شاعران را مورد بررسی قرار داده است. *میژوووی ئه‌ده‌بی کوردی* (تاریخ ادبیات کُردی) از علاءالدین سجادی از دیگر کتاب‌هایی است که در زمینه‌ی تاریخ ادبیات کُردی نوشته شده است و در آن در مورد بیست و چهار شاعر کُرد توضیحاتی داده، و بعضی از ابیات آنان را شرح و تفسیر کرده است.

۵-۴- جمع‌آوری نسخ-شرح‌نویسی

بعد از دوره‌ی نقد سنتی و نقد ضمن شعر می‌توان دوره‌ای دیگر را در ادبیات نام برد و آن دوره‌ی جمع‌آوری نسخ و دستنویس‌ها و گردآوری آثار ادبی و شرح‌نویسی بر دیوان‌های شاعران است. در این دوره ادیبان و محققان به دنبال جمع‌آوری دیوان و نسخه‌های خطی شاعران بودند. بعد از جمع‌آوری دیوان و نسخ مختلف، مرحله شرح‌نویسی و انتشار آنها را می‌توان به پروسه‌ی ادب پژوهی اضافه کرد و در آخر این سیر با شکل جدیدتری از نقد روبرو می‌شویم. در دوره‌ای که شرح‌نویسی آثار ادبی و تصحیح دیوان‌ها و کتب مختلف در میان ادیبان و پژوهشگران باب شد، این نکته حائز اهمیت است کسانی که در این مسیر اهتمام ورزیدند، در واقع همزمان با تصحیح دیوان‌ها و کتب در عمل کار گردآوری، تصحیح و شرح‌نویسی را که شکل سنتی پژوهش‌های ادبی بود، انجام می‌دادند.

در دوره معاصر و در سال‌های ۱۳۴۰ به بعد شرح‌نویسی در ادبیات کُردی با تلاش‌ها و تألیفات عبدالکریم مدرس با تخلص نامی، محقق، مترجم و شاعر کُرد، وارد مرحله‌ای جدیدتری شد و ادبا بیشتر به این موضوع توجه نشان دادند. مدرس (۱۲۸۱-۱۳۸۴، سلیمانیه) از پرکارترین نویسندگان معاصر بود که شمار تألیفات و ترجمه‌های او به ۶۰ جلد می‌رسد. مدرس دیوان شاعران زیادی از جمله: *دیوان مولوی کُرد*، *دیوان نالی*، *دیوان سالم*، *دیوان ملا مصطفی بیسارانی*^۷، *دیوان مَحوی*، *دیوان فقیه قادر همه‌وه‌وند*^۸، شرحی بر *العقیده المرضیه* از مولوی کُرد، که کتابی در اصول و مبانی فکری مولوی ا تصحیح و بر آنها شرح نوشته است. از محققان و ادیبان دیگری که به شرح‌نویسی و تصحیح آثار شاعران و نویسندگان پرداخته‌اند می‌توان به مسعود محمد، فاتح عبدالکریم، محمد ملاکریم، عبدالرحمان شرفکندی (هه‌ژار) و محمد امین شیخ الاسلامی مَکری (هیمن)، علاءالدین سجادی اشاره کرد.

7- Besarani

8- Hamavand

۵-۵- سره‌نویسی و نقد ادبی

شاعران منتقد گرد بیشترین نقدها را به زبان شعری داشتند و از زبان همچون اساسی برای مقایسه‌ی آثار در به کارگیری کلمات مناسب در شعر و بررسی جوانب معنایی و لغوی اشعار استفاده می‌کردند. هر چند در دوره‌ی سبکی مشخص در شعر و ادبیات استفاده از کلمات بیگانه به منظور نشان دادن توانایی در زبان‌های دیگر مرسوم بود. ادبیات گردی نیز به دلیل قرار گرفتن در محدوده‌ی جغرافیایی چندین کشور، تحت تأثیر زبان و فرهنگ‌هایی ادب فارسی، عربی و ترکی بود و به تبع تحت تأثیر این زبان‌ها نیز قرار داشت؛ اما توجه به زبان ملی و شکل افراطی آن در ادبیات، بعد از جنگ جهانی اول و با گسترش حس ناسیونالیستی، توجه به فرهنگ، زبان و ادبیات گردی بیشتر فراهم شد و با چاپ مجلات و روزنامه‌ها و گسترش روشنفکری و سواد سیاسی و اجتماعی، دیگر استفاده از کلمات بیگانه مایه‌ی مباهات و فخر نبود؛ بلکه حتی نقدهایی بر شاعرانی که از زبان بیگانه استفاده می‌کردند، وارد شد.

سرآغاز سره‌گرایی در زبان گردی به تأسیس روزنامه‌ی پیشکوه‌تن در سال ۱۹۲۰ توسط افسری انگلیسی به نام میجرسون^۹ که در آن سال‌ها حاکم سلیمانی بود، برمی‌گردد. میجرسون رقابتی را در این روزنامه طرح کرد و شرط اصلی برگزیده شدن در این رقابت وجود کمترین لغت بیگانه در متن بود (مظهر، ۱۹۷۸: ۱۰۶). سره‌نویسی در ایران از دهه‌های ۲۰ و ۳۰ آغاز شد و هر چند ادیبانی چون هیمن موکریانی و عبدالرحمان شرفکندی از اولین نویسندگان گردی بودند که به استفاده از کلمات گردی در آثار ادبی توجه می‌کردند؛ اما با سره‌نویسی افراطی مخالف بودند. در همین راستا در این دوره شاهد چاپ و انتشار فرهنگ لغات متعددی به زبان گردی هستیم؛ برای مثال می‌توان به فرهنگ لغت هه‌نبانه بۆرینه (۱۳۶۸) از عبدالرحمن شرفکندی که اولین فرهنگ لغت گردی در کردستان ایران است اشاره کرد (آکین، ۱۳۹۵: ۱۳۶۸). در واقع در این دوره ظهور و رواج توجه به فرهنگ نویسی در ادبیات گردی به دلیل توجه و استفاده از لغات گردی اصیل و عدم به کار بردن لغات بیگانه بود.

هیمن موکریانی از جمله شاعران و منتقدانی بود که در جریان سره‌نویسی (په‌تی‌گرایی) در ادبیات گردی نقدهایی زبان‌شناسانه منتشر کرد و سره‌نویسی افراطی را به عنوان آفتی برای زبان می‌دانست. موکریانی عقیده داشت اگر کلمات گردی شده‌ای که ریشه در زبان‌های دیگر دارند را از زبان گردی بیرون بکشیم، به ناچار مجبور خواهیم شد برای جبران آن به کلمات بیگانه در زبانی دیگر پناه ببریم، که این دور باطل تنها سبب نقصان زبان خواهد شد. هیمن موکریانی در بخشی از مقاله‌ی خود با عنوان «گۆرین»^{۱۰} (تغییر) بیان می‌کند: «به عقیده من کسانی که جملات را بر اساس اصول جمله‌سازی ادبیات بیگانه می‌سازند، نسبت به کسانی که از کلمات بیگانه استفاده می‌کنند بیشتر به زبان آسیب می‌زنند» (محمودزاده، ۱۳۹۵: ۱۲۹-۱۳۴).

۵-۶- نقش روزنامه‌ها و مجلات در نقد ادبی

با انتشار مجلات و روزنامه‌های ادبی مرحله‌ای تازه در نقد رقم خورد. در کردستان ایران همزمان با انقلاب مشروطه و آگاهی جمعی افراد از اوضاع سیاسی و اجتماعی و باز شدن افق‌های ادبی تازه، نویسندگان و روشنفکران گرد نیز با جریان‌های آن دوران هم‌داستان شدند و مجلات و روزنامه‌های متعددی در شهرهای گردنشین ایران منتشر شد. بعد از انقلاب اسلامی نیز به دلیل آزادی زبان‌های قومی و اجازه‌ی تدریس به زبان‌های محلی در قانون اساسی، بیش از پیش توجه به زبان گردی در میان روشنفکران و ادیبان کرد مطرح شد.

^۹-Major Ely bannister soane

^{۱۰}- gorin

با توجه به پیشینه‌ی روزنامه‌نگاری در کردستان ایران می‌توان به روزنامه‌ی کردستان به عنوان اولین روزنامه‌ی کردی اشاره کرد که پس از آن روزنامه‌های کردی متعددی در ایران منتشر شدند. با تأسیس انتشارات صلاح‌الدین ایوبی در ارومیه و انتشار مجله‌ی سروه در سال ۱۳۶۴ به سردبیری هیمن موکریانی جریان انتشارات کردی وارد مسیر تازه‌ای شد. مجله‌ی سروه یکی از تأثیرگذارترین مجلات کردی بود که با چاپ مقالات ادبی، نقش مهمی در رونق جریان نقد ادبی کردی ایفا کرد. بعدها در سال ۱۳۷۹ بخش دیگری با نظارت صالح سوزنی با عنوان «رچه» به مجله‌ی سروه اضافه شد، سوزنی مدت شش سال عضو شورای نویسندگان و مسئول بخش نقد ادبی این مجله بود، که تا آخرین شماره‌ی مجله سروه پابرجا بود. این بخش مختص به نقد ادبی بود و نقدهای ادبی منتقدان را چاپ می‌کرد. بعد از این مجلات و روزنامه‌ها، به ترتیب هفته‌نامه‌های: *ئاوینه*^{۱۱}، *زرتیبار*^{۱۲}، *تیشک*، *ئامانج*، *ئاویه*^{۱۳}، هفته‌نامه‌هایی بودند که از دهه شصت ۶۰ تا ۷۰ منتشر می‌شدند. هفته‌نامه‌ی *سیروان* از عوامل دیگر پیشرفت نقد ادبی در کردستان ایران است. هفته‌نامه‌ی *سیروان* امتیاز نشر خود را به دو زبان کردی و فارسی در سال ۱۳۷۷ گرفت و در گستره‌ی آذربایجان غربی، ایلام، کردستان و کرمانشاه منتشر می‌شود و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در این هفته‌نامه ده‌ها نوشتار در حوزه نقد ادبی منتشر شد. مجله‌ی *به‌ره‌م*^{۱۴} به سردبیری عطا نهایی از مجلات دیگر در حوزه‌ی نقد و نظریه‌ی ادبی بود که در سال ۱۳۸۰ تنها یک شماره از این مجله انتشار یافت.

در بخش نشریات، نشریات دانشگاهی یکی دیگر از عوامل گسترش ادبیات و نقد ادبی است. در اواخر دهه‌ی ۷۰ و اوایل دهه‌ی ۸۰ هجری شمسی به طور میانگین از سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ بیش از ۲۵ عنوان نشریه‌ی دانشجویی در اکثر دانشگاه‌های دولتی و آزاد ایران، حتی در نقاط دور دست منتشر می‌شدند. مجلات دانشگاهی نقش مهمی در آماده‌سازی خوانندگان نسبت به مفاهیم علمی و نقد نوین ایفا نمودند. در کردستان ایران اولین حرکت‌های دانشجویی در راستای نشریات کردی مربوط بود به نشریه‌ی *ژیوار* (۱۳۷۷) از دانشگاه کردستان، نشریه‌ی *سارپژ* (۱۳۷۷) از دانشگاه تهران و *روانگه* (۱۳۷۸) نشریه‌ی دانشجویی دانشگاه تبریز که به دو زبان کردی و فارسی با مدیر مسئولی صلاح‌الدین خدیو منتشر می‌شد. نشریه‌ی *کازیوه* (۱۳۷۸) دانشگاه تهران، *ژوان* (۱۳۷۹) دانشگاه کردستان، *نویسا* نشریه دانشجویان دانشگاه تهران، *دیارده* از دانشگاه آزاد بناب، *به‌یان*^{۱۵} دانشگاه همدان، *برووسکه* دانشگاه رازی کرمانشاه، *رۆژ/نۆ*^{۱۶} دانشگاه ارومیه، *سۆما*^{۱۷} دانشگاه کردستان، *رۆژه‌لآت*^{۱۸} دانشگاه بیرجند، *راقه*^{۱۹} دانشگاه تهران، *چریکه* دانشگاه شهید رجایی، *زاگرس* دانشگاه علم و صنعت تهران، *موکریان* دانشگاه مهاباد، *مانگه شه‌و*^{۲۰} دانشگاه علامه طباطبائی، *تریفه* دانشگاه اراک، *زایه‌له*^{۲۱} و *په‌پژه*^{۲۲} از دانشگاه تبریز

11- Awena

12- Zrebar

13- Awyar

14- Barham

15- Bayan

16- Rozha no

17- Soma

18- Rozhhalat

19- Rava

20- Manga shaw

21- Zayala

22- Payzha

نشریات دانشجویی کردی دیگری بودند که در این دوره منتشر می‌شد. جنبش‌های دانشجویی از عوامل دیگر پیشرفت نقد ادبی کردی بود و این جنبش‌ها در میان دانشجویان کرد، نشست‌های متعددی را در دانشگاه‌های ایران در پی داشت، برگزاری نشست‌های ادبی، معرفی و تقدیر از چهره‌های شاخص عرصه‌ی هنر و ادبیات کردی، ارائه مقالات و نقدهای ادبی به زبان کردی و توجه به مسئله‌ی خواندن و نوشتن به زبان مادری از فعالیت‌های این انجمن‌ها و محافل ادبی بود.

۵-۶-۱- مجله‌ی دهق (متن)

مجله‌ی دهق در کردستان ایران از اولین مجلات نقد ادبی بود که در عنوان آن به واژه نقد اشاره شده است. شماره اول از مجله‌ی دهق در زمستان ۱۳۷۹ و شماره‌ی دوم آن در پاییز سال ۱۳۸۰ منتشر شد. بنیانگذاران و اعضای تحریریه نشریه عبارت بودند از بختیار سجادی، رضا علی پور و ابراهیم مینویی. در این مجله مقالاتی با موضوع تاریخ نقد ادبی، نظریه ادبی، نقد عملی و معرفی مکاتب و چهره‌های نقد ادبی معاصر منتشر می‌شد. یکی از ویژگی‌های جالب توجه این نشریه معرفی اصطلاحات نقد و نظریه ادبی در قالب فرهنگی به زبان‌های کردی، فارسی، انگلیسی و فرانسوی بود.

۵-۶-۲- نقش روزنامه‌ها و مجلات در کردستان عراق

در کردستان عراق هم مجلاتی که رسالت توسعه نقد ادبی در ادبیات کردی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند عبارت بودند از: گه‌لاوێژ^{۲۳}، روانگه، هیوا، کاروان، به‌یان، په‌یقین^{۲۴}، رامان، شه‌فه‌قی نوێ^{۲۵}، هه‌نا^{۲۶}ر. برای مثال، مجله‌ی گه‌لاوێژ به مدت ده سال از سال ۱۹۳۹-۱۹۴۹ / ۱۳۱۸-۱۳۲۸ منتشر می‌شد و ادیبانی از جمله: علاءالدین سجادی، فایق بیکس، ابراهیم احمد، شاکر فتاح و رفیق حلمی در این مجله مقالات ادبی خود را منتشر می‌کردند. مارف برزنجی و مارف خزنه‌دار مقالات خود را در مجله‌ی شفق که در سال ۱۳۳۷ در کرکوک چاپ می‌شد، منتشر می‌کردند. بعدها مجله‌ی هیوا و مجله‌ی کۆری زانیاری کورد^{۲۷} (جمعیت دانش کرد) و مجلات دانشگاهی به ویژه در دانشگاه صلاح‌الدین اربیل (اقلیم کردستان) نقش پررنگی در پیشرفت نقد ادبی در ادبیات کردی ایفا کردند. در سال ۱۹۷۰ پس از بیانیه‌ی ۱۱ آدار گروهی از روشنفکران و نویسندگان کرد در بغداد «انجمن دانش کرد/ کۆری زانیاری کورد» را تأسیس کردند. این انجمن در سال ۱۹۷۳ اولین مجله‌ی خود را منتشر کرد. بیشترین فعالیت این مجله در زمینه‌ی دستور زبان کردی و زبان‌شناسی بود. در شماره‌ی اول این مجله کسانی نظیر توفیق وهبی مسعود محمد، قنات کوردو، عبدالله نقشبندی، رفیق حلمی، علاءالدین سجادی و کمال مظهر مقالات قابل تأملی منتشر کردند. در میان این مقالات، علاءالدین سجادی و کمال مظهر درباره‌ی شعر و نثر نقدهایی نوشتند؛ اما مقالات دیگر بیشتر در حوزه‌ی زبان‌شناسی بود (کۆری زانیاری کورد ج ۱: ۱۹۷۳). در سال‌های اخیر مجله رامان یکی از تأثیرگذارترین مجله‌ها در زمینه‌ی نقد ادبی و ادبیات کردی است و تا کنون ۲۹۴ شماره از آن در شهر اربیل منتشر شده است.

²³- Galawezh

²⁴- payvin

²⁵- Shafaqi nwe

²⁶- Hanar

²⁷- kori zanyari kurd

۵-۶-۱- مجله انتقادی پروژه

در سال ۱۹۹۲ م. ۱۳۷۰ هـ. ش. تعدادی نویسنده و منتقد ادبی مجله‌ای با عنوان پروژه منتشر کردند که مختص به نقد ادبی بود، در مجله‌ی پروژه مانیفستی برای نقد ارائه شد؛ هدف اصلی آن تازه کردن مسیر نقد ادبی در ادبیات کردی بود. نویسندگان این مجله عبارت بودند از: عبدالله طاهر برزنجی، محمد امین احمد، صلاح حسن پهلوان، جلیل زنگنه، حمید ریبوار و صدرالدین عارف. شماره اول این مجله در ۱۷/۲/۱۹۹۲ منتشر شد و تمام مطالب آن مختص به نقد ادبی و متدهای نقد با تکیه بر محورهای خواننده و متن بود. تا قبل از این مجله بیشتر آثار انتقادی مربوط به بیرون از متن بود؛ اما بعد از این مجله نقدهایی با محوریت خود متن رواج یافت (حسین، ۲۰۲۰: ۱۷۸-۱۷۹). بعد از پروژه ابزاری بودن ادبیات به منظور اهداف اجتماعی و سیاسی جای خود را به هنری بودن و توجه به خود متن داد.

۵-۷- نقد بر آثار داستانی

در ادبیات کردی قبل از ظهور داستان و رمان نقدهایی در زمینه‌ی فولکلور و حکایت‌های عامیانه و قصه‌ها در مجلات و روزنامه‌ها منتشر می‌شد؛ نقدهایی از جمله: مقاله‌ی عادل گرمیانی در شماره‌ی ۳۵ مجله‌ی *رامان* درباره‌ی حکایت و فولکلور، عزالدین مصطفی رسول با عنوان «ادب فولکلور کردی» (۱۹۷۰، بغداد)، «تفاوت حکایت و داستان» از آزاد محمد شریف در شماره‌ی ۱۴۰ مجله‌ی *سروه* و شماره‌ی ۳۵ مجله‌ی *رامان* (رحیمیان، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۸۳). نقد بر آثار داستانی با داستان‌های حسن قزلجی (۱۲۹۲-۱۳۶۳) باب شد؛ حسن قزلجی به عنوان اولین نویسنده داستان کوتاه در ادبیات کردی در کردستان ایران شناخته شده است. قزلجی با انتشار مجموعه داستان *پیکه‌نینی‌گه‌د*^{۲۸} (لبخند گدا) در سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ هـ. ش. در بغداد که شامل ۱۴ داستان کوتاه بود، موجب نوشتن نقدهایی سیاسی و اجتماعی بر اثر خود شد. قزلجی مقاله‌ای درباره‌ی شعر هیمن موکریانی با نام «به‌هاری لادی» (بهار روستا) دارد که در آن جدیدترین شیوه‌های نقد ادبی را لحاظ کرده است (فلاح، ۱۳۹۷: ۹).

نقد ادبی در آثار داستانی بر اساس مبانی نظری به تبع با پیدایش رمان به صورت مدرن وارد عرصه ادبیات کردی شد. رمان این پتانسیل را دارد که نقدهای اصولی‌تری را در پی داشته باشد. در زمینه‌ی نقد داستان می‌توان به کتاب داستان هنر کردی از ظاهر روزبیانی، چیرۆکی هونه‌ری کوردی از حسین عارف، رساله‌ی دکترای طالب محمد احمد درباره‌ی داستان‌های محمد مولود مَم، احلام منصور در کتاب بنیان هنری داستان کوتاه اشاره کرد (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۲۰۳). هر چند در سال‌های اخیر داستان و رمان بیشتر از قبل مورد توجه منتقدان ادبی قرار گرفته است و می‌توان به نمونه‌های بهتر و بیشتری در این زمینه اشاره کرد. منتقدان جدی و صاحب‌نامی با ارائه آثار خود در خصوص خوانش‌های نوین از ادبیات داستانی کردی به توسعه فنی و آکادمیک این حوزه کمک نمودند. دکتر هاشم احمدزاده از این دست منتقدان است که تاکنون چندین کتاب و پژوهش اصیل در نقد رمان کردی منتشر نموده است.

۵-۸- تأسیس انجمن‌های ادبی

تأسیس انجمن‌های ادبی مربوط به ادبیات گردی که از دهه‌ی ۷۰ هـ. ش در ایران آغاز شد، نقش پررنگی در گسترش زبان و ادبیات گردی ایفا کردند. در این انجمن‌ها جلساتی با محوریت ادبیات گردی برگزار می‌شد که در آن شعر خوانی و نقد شعر و داستان‌ها و حاضرین صورت می‌گرفت. فعالیت‌های این انجمن‌ها بیشتر در زمینه‌ی آموزش زبان گردی توسط اعضا و پیشکسوتان ادبیات گردی به صورت خودجوش و رایگان و یا برگزاری کارگاه‌های شعر و داستان برای علاقه‌مندان انجام می‌شد. برخی از این انجمن‌ها، مجله‌ای مختص به خود نیز داشتند که شعرها و نقدهای انجمن را در آن چاپ می‌کردند. از اقدامات مهم دیگر این انجمن‌های ادبی برگزاری کنگره و یادواره و کنفرانس برای شاعر یا نویسنده‌ای مشخص، انتشار مقالات نقد ادبی یا آیین رونمایی و معرفی کتاب بود. تعدادی از این انجمن‌ها عبارتند از: «انجمن ادبی مریوان» تأسیس سال ۱۳۶۹، «انجمن مولوی گرد» در سنندج تأسیس ۱۳۷۱، «انجمن ادبی شنو» تأسیس سال ۱۳۷۸ در شهر اشنویه، «انجمن ادبی بوکان» که سال ۱۳۷۳ توسط فتاح امیری-نویسنده- و رهبر محمودزاده - منتقد ادبی- تأسیس شد. انجمن‌های ادبی با دعوت از منتقدان ادبی و برگزاری جلسات ادبی و نشست هفتگی و ایجاد زمینه‌ی بحث درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی موجب تحول نقد ادبی و پیشرفت آن شدند، این منتقدان بیشتر دارای اندیشه‌ای نو و آکادمیک در نقد بودند و این خود موجب شد نقد ادبی از مسیر سنتی پیشین فراتر رود و مبانی نظری نقد ادبی به تفکر انتقادی نویسندگان و منتقدان ادبی اضافه شود.

۶- شکوفایی نقد ادبی آکادمیک

سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ نقطه‌ی عطف بالندگی نقد ادبی در کردستان ایران به شمار می‌رود و نقد ادبی در این دوره به شکلی نو و قابل توجهی رشد کرد؛ از دیگر تحولات مهم این دوره می‌توان به تأسیس اولین کانون زبان و ادبیات گردی در دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال ۱۳۷۸ اشاره کرد. ارائه دو درس اختیاری زبان و ادبیات گردی برای دانشجویان یکی از اقدامات مهم این کانون بود؛ واحد درسی زبان گردی از سوی منصور تیفوری و واحد درسی ادبیات گردی توسط بختیار سجادی تدریس می‌شد که مباحث انتقادی نوینی را در خصوص مفاهیم و آثار ارائه نمودند. از دیگر اقدامات این کانون برگزاری اولین «کنگره علمی شعر نو گردی» در تالار ابوریحان بیرونی در ۲ و ۳ آذر ماه سال ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران بود. ایده کنگره و شیوه برگزاری آن از سوی بختیار سجادی مطرح و عملی شد. نویسندگان، شعرا و منتقدان کرد نظیر عطا نهایی، صالح سوزنی، رضا علی‌پور، محمد حمه باقی، کامبیز کریمی، محمد رضا کلهر و بهزاد کردستانی به این کنگره دعوت شدند که با مقالات و نقطه نظرات خود به غنای کنگره افزودند. در این کنگره ۱۱ مقاله در زمینه ادبیات گردی و نقد ادبی ارائه شد که در مجله‌ای مختص به همین کنگره تحت عنوان *نوینکار* منتشر شد. یکی دیگر از عوامل رونق نقد ادبی به شیوه دانشگاهی در کردستان ایران در همین سال‌ها چاپ و انتشار مجله نقد ادبی ده‌ق بود. انتشار این مجله در سال ۱۳۷۹ باعث شد نقد به خصوص در میان افراد دانشگاهی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

۷- نتیجه‌گیری

نقد ادبی در ادبیات کردی از ابتدا تا اکنون جدا از مناسبات فرهنگی نبوده، و رشد خود را مدیون پویایی در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. نقد نوین در ادبیات کردی در کردستان عراق با توافقنامه‌ی ۱۹۷۰ شروع شد و در ایران با نهضت مشروطه و گسترش تفکرات ناسیونالیستی. در هر دو حوزه‌ی جغرافیایی نو شدن شعر و نقدهای وارده بر آن، در نو شدن نقد نیز بسیار تأثیرگذار بود؛ شاعران با نگاهی انتقادی که به شعر و آثار دیگر شاعران داشتند، باعث ایجاد چرخه‌ای میان نقد ادبی و ادبیات و مخاطب شدند. از سویی با رشد سطح علمی عمومی این رابطه‌ی سه‌ظلعی میان نویسنده، ادبیات و مخاطب همواره سبب رونق خود ادبیات و به تبع آن نقد ادبی شد. با ظهور شعر نوگرا و نقدهایی که بر آن نوشته شد، ادبیات کردی از حالت ایستا و رکود خارج شد؛ اما تفاوت‌هایی هم در دو حوزه‌ی جغرافیایی وجود دارد، برای مثال نو شدن شعر در کردستان عراق با جریان‌هایی همچون روانگه و کفری بیشتر با بروز اختلافات فکری موجب تحول نقد ادبی شد؛ اما نو شدن شعر در کردستان ایران با ورود مبانی نظری نقد و تغییر در نحو زبان و تفکرات انتزاعی به رشد نقد ادبی کمک کردند. می‌توان گفت تغییرات در نو شدن شعر بیشترین تأثیر را در مسیر نقد ادبی داشت؛ اما نقد در حوزه‌ی شعر هنوز جسارت ورود به مبانی عمیق فکری و فلسفی را نداشت تا این که ژانر داستان در ادبیات کردی به شکوفایی رسید. ژانر داستان راه نقدهای فمینیستی، جامعه‌شناسانه، روانشناسانه را به حیطةی نقد ادبی در ادبیات کردی باز کرد.

مراحل پیشرفته‌تر نقد با گسترش ادبیات در روزنامه‌ها و ورود ژانرهای جدیدی همچون شعر نو و رمان به ادبیات کردی آغاز شد؛ اما آنچه در مسیر نقد ادبی قابل تأمل است، وجه تمایزی است که در نقد ادبی در دو حوزه‌ی جغرافیایی کردستان ایران و عراق وجود داشت. در کردستان عراق بیشتر نقدها ناظر بر شعر بوده، و با فاصله‌ی زیادی با کردستان ایران پای گرفت؛ اما در کردستان ایران نقد ادبی بیشتر مربوط به ژانر رمان بود. باید در این میان به وجه تشابهی میان این دو حوزه نیز اشاره کرد و آن کم توجهی به ژانر داستان و داستان کوتاه در برابر شعر هم در کردستان ایران و هم در کردستان عراق است. گویا داستان و داستان کوتاه در ادبیات کردی هنوز به عنوان یک ژانر ادبی به رسمیت شناخته نشده، و نقد آن نیز در مقایسه با نقد شعر و رمان چندان مورد توجه نبوده است. اکنون نقد ادبی با منتشر شدن کتاب‌هایی در این زمینه چه به صورت نقد بر آثار ادبی و چه به صورت ترجمه‌هایی از منتقدان غربی، وارد مراحل شکوفایی شده است. می‌توان امیدوار بود به این که در آینده شاهد پیشرفت بیشتر این علم در ادبیات کردی خواهیم شد.

منابع

کوردی:

- ناشنا، ئومید (۲۰۰۱). پیره‌میرد و پینداچوونه‌وهیه کی نوئی ژیان و بهرهمه‌کانی. هه‌ولێر: وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده.
- ئامیدی، یاسین (۲۰۰۳). پیدابوونی رهنه‌ی ئه‌ده‌بی له شیعری کلاسیکی کوردیدا (تا جهنگی گیتی یه‌که‌م. هه‌ولێر: ئاراس.
- ئیلخانی‌زاده، سواره (۲۰۱۴). شه‌نگه‌سوار. کۆ‌کردنه‌وه‌ی عومه‌ر ئیلخانی. سلێمانی: غه‌زه‌لنووس.
- به‌رزنجی، عه‌لی تاهیر (۲۰۰۸). کاریگه‌ری رۆانگه‌ له نوێگه‌ری شیعری کوردیدا. سلێمانی: چوارچرا.
- پیره‌میرد (۲۰۰۷). دیوانی پیره‌میرد. کۆ‌کردنه‌وه‌ی محمه‌د په‌سوول ه‌اوار. وه‌زاره‌تی رۆشنییری: شقان.
- جاف، سه‌روود ولی اسماعیل (۲۰۱۴). رۆلی شیخ نووری شیخ س‌ال‌ح له سه‌ره‌له‌لدانی رهنه‌ی ئه‌ده‌بی کوردی. دانشگاه بغداد، مجله‌ الاستاد، جلد اول.
- حاجی قادر کۆبی (۱۳۹۰) دیوانی حاجی قادر کۆبی. لیکۆلینه‌وه و شه‌رح و ته‌فسیر سه‌ردار حه‌مید میران و کریم مسته‌فا شاره‌زا. سنه: کردستان.
- حسین، هیوا کریم (۲۰۲۰). کاریگه‌ری گوتاری ئه‌ده‌بی له‌سه‌ر رای گه‌شتی له کۆمه‌لگه‌ی کوردیدا. سلێمانی: وه‌زاره‌تی خوێندنی بالا کۆلیجی زمان.
- خه‌زنه‌دار، م‌ارف (۲۰۰۱). می‌رووی ئه‌ده‌بی کوردی- به‌رگی یه‌که‌م. هه‌ولێر: ئاراس.
- سابیر، په‌ریز (۲۰۰۶). رهنه‌ی ئه‌ده‌بی و مه‌سه‌له‌کانی نوێ‌کردنه‌وه‌ی شیعری. هه‌ولێر: ئاراس.
- سه‌جادی، عه‌لاه‌دین (۱۳۸۹). می‌رووی ئه‌ده‌بی کوردی. سنه: انتشارات کوردستان.
- سه‌جادی، عه‌لاه‌دین (۱۳۹۶). نرخ شناسی (لیکۆلینه‌وه و رهنه‌ی ئه‌ده‌بی). سنندج: انتشارات کردستان.
- سه‌جادی، به‌ختیار و مه‌زه‌هر ئیبراهیمی (۱۳۹۸). زمان و وێژه‌ی کوردی. سه‌قز: گوتار. سییه‌م.
- سه‌جادی، به‌ختیار (۱۳۸۳). «قه‌لشتی نیوان رهنه‌ی ئه‌ده‌بی سونه‌تی و مودی‌رنی کوردی». شین، س. ۱، ژ. ۴، ل. ۷۵-۸۸.
- (۱۳۸۰). «حاجی قادر کۆبی، رهنه‌گره‌ سونه‌تییه‌کان و هه‌لسوکه‌وتیان له‌گه‌ل رهنه‌ی ئه‌ده‌بی دا». ده‌ق. س. ۱، ژ. ۲، پاییزی ۱۳۸۰، ل. ۹۳-۱۱۰.
- شه‌ره‌فکه‌ندی، عه‌بدوڵه‌رحمان (۱۳۶۹). هه‌نبانه‌ بۆرینه. ته‌هران: سه‌روش.
- عه‌بدوڵواحید که‌ریم، نازاد (۲۰۱۰). نوێگه‌ری له شیعری کوردیدا (له‌ ر‌ووناکییه‌وه تا ر‌وانگه‌بیه‌کان). هه‌ولێر: ئاراس.
- عه‌بدوڵواحید، نازاد (۲۰۰۸). دیوانی شیخ نووری شیخ س‌ال‌ح. هه‌ولێر: ئاراس.
- عه‌بدوڵا مسته‌فا، ئیدریس (۲۰۰۸). له‌ باره‌ی ر‌ۆژنامه‌گه‌ری کوردیه‌وه. هه‌ولێر: خانی.
- شیرزاد، ئیحسان (۱۹۷۳). «گۆفاری کۆری زانیاری کورد به‌رگی یه‌که‌م». به‌غداد
- فه‌لاح، شه‌ریف (۱۳۹۹). شیعری هاوچه‌رخ‌ی کوردی له‌ کوردستانی ئێران. سنه: ماد.
- فه‌لاح، شه‌ریف (۱۳۹۹). خوێندنه‌وه‌ی رهنه‌گرانه‌ی پرۆسه‌ی شیعری نوئی کوردی له‌ کوردستانی ئێران. سنندج: ماد.
- فه‌هادی، حه‌مه‌ س‌ال‌ح (۱۹۸۸). چه‌ند لایه‌نیکی ر‌ۆژنامه‌ نووسی کوردی. به‌غدا: الحوادث.
- فوناد، ئیحسان (۱۹۶۶). حاجی قادر کۆبی و جیگه‌ی له‌ ئه‌ده‌بی کوردیدا، نامه‌ی دوکتورا. مۆسکۆ.
- مه‌زه‌هر، که‌مال (۱۹۷۸). تیگه‌یه‌شتنی راستی و شوینی له‌ ر‌ۆژنامه‌ نووسی کوردیدا. به‌غداد: کۆری زانیاری.
- مسته‌فا، محمه‌د فازل (۲۰۱۱). ده‌نگی پیره‌میرد له‌ بزوتنه‌وه‌ی شیعری نوئی کوردی دا. هه‌ولێر: ر‌ۆژه‌لات.
- مه‌عروف، که‌مال (۲۰۰۰). ئه‌ده‌بی کوردی و رهنه‌ی ئه‌ده‌بی نوئی. سلێمانی: بنکه‌ی ئه‌ده‌بی گه‌لاوێژ.

مه‌حمودزاده، ربه‌بهر (۱۳۹۵). کۆمه‌له وتاری یه‌که‌مین هه‌مایشی نارچه‌یی هه‌مین. سه‌قز: گوتار. مه‌نتک، هه‌مه (۲۰۱۸). مئتۆده‌کانی ره‌خنه‌ی ئه‌ده‌یی. هه‌ولئیر: تفسیر.

فارسی:

احمدزاده، هاشم (۱۳۹۷). *از زمان تا ملت: پژوهشی در گفتمان روایی فارسی و کردی*. ترجمه بختیار سجادی. سنندج: دانشگاه کردستان. دوم.

آکین، صالح (۱۳۹۵). *فرهنگ نویسی و برنامه‌ریزی زبانی کرمانجی*. ترجمه علی پاک‌سرشت. تهران: پینوس. شمیسا، سیروس (۱۳۹۴). *نقد ادبی*. تهران: میترا.

رضی، احمد و محمد کاظم یوسف پور و زینب رفاهی بخش (۱۳۸۹). «سیر تحول شرح‌نویسی بر متون فارسی (۱۳۱۳-۱۳۸۷)». وزارت علوم، تحقیقات و فناوری_ دانشگاه گیلان.

رحیمیان، محمد (۱۳۹۲). *سرآغاز و سیر ادبیات داستانی کردی*. تهران: رامان سخن.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی جلد ۱*. تهران: امیرکبیر.

عطفی، علی اکبر و منیژه افرازنده (۱۳۸۹). «سره‌گرایی در تاریخ ادب فارسی». *مجله تاریخ ادبیات* شماره ۶۴. صص ۱۶۱-۱۸۸.

محمدپور، عادل (۱۳۹۶). *راهنمای مطبوعات کردی (سیر تاریخی و بازشناسی ساختاری)*. مریوان: ئه‌وین.

معرفت، انور (۱۳۹۵). *سرآغاز شعر نو کردی و تحول فرم‌های آن*. سقز: گوتار.

نیکویی، علیرضا (۱۳۹۸). «مرور انتقادی کتب نقد ادبی در زمینه آبشخورهای نقد». *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال نهم، شماره اول.

ولک، رنه (۱۳۸۸). *تاریخ نقد جدید ج ۱*. ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.